



عکس تزئینی است

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند
اما هنوز سهم چندانی از اقتصاد را تجربه نکرده‌اند

چالش‌ها و موانع کارآفرینی برای زنان

اشتغال که یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی هر کشوری محسوب می‌شود موفقیت و تعالی آن در گرو توجه به نیروی انسانی آن است. از این جهت تمام امکانات و عوامل باید در جهت استفاده بهینه از آن گام بردارند. زنان به عنوان نیمی از جمعیت و به عنوان نیروی محرک رشد و توسعه کشور همواره مورد توجه برنامه‌ریزان برای بهره‌گیری از مشارکت در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مدنظر قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، تمایل زنان و دختران به تحصیلات عالی در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری یافته و آمارها نشان می‌دهند بیش از ۶۵ درصد ورودی‌های دانشگاه‌ها به زنان اختصاص داشته است.

+ کرونا سهم اشتغال زنان را کاهش داد

آمارهای اشتغال در سال ۱۳۹۸، سهم هشتاد و دو درصدی مردان در برابر سهم هجده درصدی زنان در بازار کار را نشان می‌دهد. این حاکی از شکاف جنسیتی و محدودیت بیشتر فرصت‌های اشتغال برای زنان در ورود به بازار کار کشور بود. علاوه بر این، مصادف با شیوع کرونا در کشور، سهم اشتغال زنان نسبت به دوره‌های مشابه دوباره کاهش یافت. کارشناسان و نظریه‌پردازان معتقدند برای غلبه بر چالش‌ها و موانعی که فراروی ورود زنان به عرصه فعالیت‌های اقتصادی همچون اشتغال در جوامع توسعه‌نیافته وجود دارد، کارآفرینی می‌تواند علاوه بر ایجاد کسب و کار در اقتصاد، فرصت‌های شغلی جدیدی نیز مهیا کند.

+ ایجاد اشتغال و استفاده از ظرفیت بخش‌های خصوصی و تعاونی

کنار گذاشتن نیمی از جمعیت فعال به‌ویژه آموزش‌دیده با تحصیلات دانشگاهی به معنای هدر دادن منابع انسانی از یک سو و اتلاف هزینه‌های مالی برای آموزش این جمعیت از سوی دیگر است. بنابراین برای تعدیل و معطف‌پذیر کردن بازار کار، کارآفرینی متناسب با روحیات زنان می‌تواند راهکار مناسبی برای حل مشکلات نبود اشتغال زنان در بازار کار باشد. با توجه به سیاست‌گذاری‌هایی که در بخش اقتصاد صورت می‌گیرد، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز برنامه‌های متعددی برای تحرک بخشی در بازار کار به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی به‌ویژه برای جوانان، فارغ‌التحصیلان

دانشگاهی و زنان ارائه می‌دهد. یکی از این برنامه‌ها و راهکارها در قالب برنامه‌های اشتغال‌زایی «برنامه سیاست‌های فعال بازار کار و حمایت از دسته‌های اشتغال‌زا با رویکرد بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت بخش‌های خصوصی و تعاونی» است. به عبارتی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برنامه‌هایی در جهت حمایت از کارآفرینی در بین اقشار مختلف جامعه از جمله زنان دارد.

+ زنان کارآفرین متعهد هستند

کارآفرینی به معنای متعهد شدن است و کارآفرین یعنی کسی که متعهد می‌شود فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه اولیه و با توجه به مخاطراتی که به همراه دارد سامان‌دهی و اداره کند. این ویژگی در زنان به‌وفور دیده می‌شود زیرا زنان متعهد هستند. کارآفرینی در مقابل کارهای تکراری و روزمره بیان می‌شود که به قول شومپتر، نظریه‌پرداز اقتصاد، می‌توان آن را «نیروی برهم‌زننده اقتصادی و تخریب‌خلاق» نام نهاد. در فرایند کارآفرینی، چیز جدیدی خلق می‌شود که همراه با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است به طوری که نتیجه آن، فعالیت‌های منظمی می‌شود که خلاقیت و نوآوری را با نیازمندی‌ها و فرصت‌های بازار پیوند می‌دهد. فرد کارآفرین دارای تفکر خلاق است و به طور سازمان‌یافته‌ای از منابع استفاده می‌کند و توانایی پذیرش ریسک را دارد. بر این اساس، زنان کارآفرین هم زنانی هستند که به‌تنهایی یا با مشارکت، کسب و کاری را با سرمایه اولیه خود آغاز می‌کنند و مسئولیت‌های اجتماعی و اداری و مالی را برعهده می‌گیرند تا محصولات جدیدی را تولید و در بازار خرید و فروش بر رقبایشان پیروز شوند.

+ نبود اعتماد به نفس اولین مانع حضور است

محققان معتقدند زنان در مسیر کارآفرین شدن ابتدا باید به خود و توانایی‌های خود بیندیشند. پنداشت مثبت از خود و اعتماد به نفس داشتن، تأثیر مستقیمی بر کارآفرین شدنشان دارد زیرا نداشتن خودباوری و کمبود اعتماد به نفس در زنان به همراه نداشتن انگیزه کافی و مناسب برای مؤثر بودن در بخش اقتصادی همراه با مردان و رقابت با دیگران، می‌تواند مانع ورود زنان به کارآفرینی باشد. زنان اغلب به دلایل متعددی از جمله بیکاری، کمبود دستمزدها و نارضایتی از شغل قبلی به سمت کارآفرین شدن حرکت می‌کنند، اما نبود یا کمبود مدل و الگو، نداشتن تجربه کافی، مهارت و دانش متناسب، مسئولیت‌دوگانه بین خانه و جامعه، و تأخیر بین دانش‌آموختگی و شروع به کار نیز از عوامل محیطی و اجتماعی برای کارآفرین نشدن زنان است. ترس از موفق نشدن نیز یکی دیگر از موانع ورود زنان به کارآفرینی است زیرا آنان کسب و کار را فقط وظیفه خود نمی‌دانند و به دنبال موفق شدن و گسترش کسب و کار نیز هستند.



سمیه
ورشویی
دکتری اقتصاد

هنگامه

شهربانو

۲شنبه
۲۴ خرداد ۱۴۰۰
۳۴۰۸ شماره ۲۳

(۳)

فرصت‌های جدید را از دست ندهیم

وجود موانعی که بر سر راه کارآفرین شدن زنان قرار دارد، نه تنها زنان را به عنصری غیرفعال و منزوی تبدیل می‌کند، بلکه تربیت نسل آینده را به مثابه عضو فعال و ثمربخش، با مشکل روبرو می‌کند. نداشتن درک از فرصت‌ها و هدررفت نیمی از جمعیت از سوی جامعه به معنای از بین رفتن افکار مختلف و متنوع و رشد و توسعه کشور در جهت تعالی است. بدین منظور، ضرورت دارد علاوه بر اینکه زنان در چپه‌ها و فرصت‌های جدید را به روی خود باز کنند و در باره اینکه می‌توانند فردی مفید و فعال در عرصه اقتصادی باشند به اعتماد به نفس و خودباوری برسند، دولتمردان نیز با تغییرات گسترده ساختاری اعم از فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه راه را برای حضور فعال و جدی زنان هموار کنند.

موانع بر سر راه کارآفرینی

عمدتاً زنان از موانع مالی و قانونی برای کارآفرین نشدنشان شاکی هستند و آن را سدی در برابر شروع فعالیت‌ها و گسترش آن می‌دانند. بوروکراسی‌های اداری، هزینه‌های زمانی بالا برای ثبت شرکت و دریافت مجوزها، هزینه‌های هنگفتی برای ورود زنان به عرصه کارآفرینی به وجود می‌آورد. از سوی دیگر، می‌توان به کمبود ارتباطات زنان با سایر افراد در جامعه اشاره کرد. روابط اجتماعی زنان اغلب در دایره محدودی از دوستان نزدیک و خویشاوندان است و نداشتن ارتباط با سایر افراد که به عنوان پیوندهای ضعیف مطرح می‌شوند از موانع عمده ورود زنان به کارآفرینی است زیرا این افراد حامل اطلاعات مهمی هستند که غالباً دوستان نزدیک و خویشاوندان این اطلاعات را ندارند. زنان علاوه بر نداشتن ارتباطات گسترده همچون مردان، از نفوذ و اعتبار اجتماعی پایینی برخوردارند که این عوامل نیز از موانع جدی زنان برای ورود به عرصه کارآفرینی به شمار می‌رود.